

رضا غلامی، مدرس فلسفه سیاسی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

نظام سیاسی از چندقطبی‌سازی در مواجهه با تکثر پرهیزد



سهیلا عباس‌پور خبرنگار گروه ایده حکمرانی

تکثر در هر جامعه‌ای وجود دارد و با تغییر و تحولاتی که در حوزه‌های گوناگون و کلان اتفاق می‌افتد، بروز و ظهور آن بیشتر شده، تا جایی که گاهی تشخیص حد تمایز این کثرت‌ها از هم بسیار دشوار می‌شود. طبیعتا تکثر اجتماعی خودبه‌خود مساله هر حکمرانی‌ای نیست و باید دید کجا مساله‌مند شده و این مساله‌مندی چه تبعاتی را در جامعه به دنبال داشته است و در کلیت یک جامعه آیا تاثیر منفی داشته است یا مثبت؛ نگاه سازمان حکمرانی به امر تکثر و پذیرفتن یا نادیده گرفتن آن، نخست باید با ایده‌اندیشی و در حوزه نظر به تحلیلی جامع از پدیده امر تکثر منتهی شود تا در عرصه عمل راهکار درست و مناسب را در رویارویی و مدیریت این کثرتهایی که مساله‌مند هستند را بیابد. گاهی نیز سازمان حکمرانی با تشخیص و تجویز اشتباه، برخی تکثرها که به‌خودی‌خود مساله نیستند را در کانون مساله‌مندی قرار داده است. رضا غلامی، پژوهشگر و مدرس فلسفه سیاسی و مطالعات فرهنگی و تمدنی در پاسخ به پرسش‌های «فرهیختگان» درباره تکثر اجتماعی، مردم‌سالاری دینی را به‌عنوان نظامی که واجد ارزش‌های دموکراتیک است برمی‌شمارد که ظرفیت پذیرش تکثر را دارد و قائل به این است که تکثر نیز تا جایی مجاز و پذیرفته شده است که مغایر با حقوق طبیعی افراد و منافع کشور نباشد.

■ ■ ■

تکثر اجتماعی در ایران امروز یک واقعیت به نظر می‌رسد، چنانچه با این گزاره موافقت، بغض‌نابند یا کدام صورت‌بندی می‌توان این تکثر را فهمید و تحلیل کرد؟

وقتی از کثرت‌گرایی اجتماعی در مقام عینیت صحبت می‌کنیم، منظور ظهور جامعه‌ای است که دارای طیف‌های گوناگون شامل طرز فکرها، خرده‌فرهنگ‌ها، و سبک زندگی‌های مختلف است. این طیف‌ها در مواردی مشکل و در مواردی نیمه‌مشکل شده‌اند و به‌گروه اجتماعی که ذیل هر یک، گروه‌های خرد به‌مثابه شبکه‌ای از گروه‌ها قراردارند منشعب می‌شوند. کثرت اجتماعی نقطه مقابل وحدت و یکدستی است. برای قابل مشاهده‌شدن کثرت اجتماعی می‌توان از شاخص‌های گوناگونی بهره برد. برای مثال میل زیاد و در مواردی تعصب در استفاده از زبان یا گویش‌های غیرملی، علاقه به استفاده از نمادهای هویتی مثلا نمادهای قومی و دینی، ناسازگاری‌های عمدی یا برخی رویه‌ها و حتی ارزش‌ها و در کل، اصرار بر متمایز نشان دادن خود.

این تکثر اجتماعی نتیجه چه علل و عواملی است و از کدام تغییرات و روندها ناشی می‌شود؟

اصولا جوامع یکدست نادرند؛ چراکه جامعه مرکب از انسان است و انسان‌هایی که اعضای جامعه محسوب می‌شوند ماشین کوکی نیستند. انسان از آنجا که انسان است بینش‌ها و گرایشات و تمایلات واحدی ندارد. به نظر می‌رسد کثرت اجتماعی، نتیجه طبیعی شعورمندی و اختیار نسبی انسان است. اگر در جامعه‌ای کثرت نبود باید نگران بود. معمولا در جوامعی که مردم از آزادی‌های فردی و از امکان تحقق عاملیت فردی خود بیشتر برخوردارند، نه فقط تنوع و تکثر هم بیشتر می‌شود، بلکه این تکثرات آثار عینی ملموس‌تری در جامعه خواهند داشت. تازه این حرف



در جوامع تک‌نژادی، تک‌قومی، تک‌دینی و تک‌مذهبی یا تک‌زبانی رخ می‌دهد؛ چنانچه جامعه‌ای از نژادها، اقوام، ادیان، فرقه‌ها و زبان‌های گوناگون بهره‌مند باشد تکثر و تنوع در آن جوامع امری وسیع و پیچیده است. در این نوع جوامع رشته‌ای از منافع و مصالح انسان‌ها را با هم ترکیب کرده است. این مصالح و منافع و توافق اجتماعی پشت جامعه قادر است تا حدی و نه تماما، حد و اندازه ظهورات تکثر را معین کند. البته ظهور تکثرات در جوامع دموکراتیک در محدوده نسبتا‌بازی در قانون پیش‌بینی می‌شود و به‌تبع آن فرهنگ عمومی تکثرگرا هم شکل پیدا می‌کند اما در جوامع غیردموکراتیک ممکن است با هدف حفظ مصالح اجتماعی و حتی از سر میل به خودکامگی، تکثراتی که مضر به حال جامعه یا گروه حاکم تشخیص داده شود سرکوب شود. با این حال نباید از نظر دور داشت که در جوامع صد در صد دموکراتیک هم چهارچوبی برای عینیت تکثرات هست و نمی‌توان تلقی مطلقا از ظهور تکثرات داشت. مثلا کشور فرانسه با آنکه خود را مهد جمهوریت تلقی می‌کند، اما در این کشور برخورد خوبی با ارزش‌ها و نمادهای مسلمانان مانند حجاب نمی‌شود، چنین برخوردی در انگلیس یا آلمان وجود ندارد و مسلمانان از آزادی بیشتری برخوردارند.

آیا مجموعه سازمان حکمرانی نسبت به واقعیت تکثر اجتماعی ارزیابی واقع‌بینانه و تحلیل منسجمی دارد که رد آن درسیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات دیده شود، مثل حجاب یا صدواسیم؟ به‌طور کلی آیا دلالت‌هایی وجود دارد که حکمرانی ما این تکثر را پذیرفته باشد؟

اولا باید تاکید کنم که کثرت اجتماعی چیز بدی نیست و نشان‌دهنده حیات و پویایی یک جامعه است. ما در مواجهه با کثرت اجتماعی دو مرحله از مواجهه را شاهدیم؛ یک؛ فهم و پذیرش تکثرات اجتماعی آن‌طور که هست و دو؛ رسمیت دادن به تکثرات. به نظر می‌رسد دومی مساله خطیری است. معمولا در جوامع غیردموکراتیک تنها تکثراتی به رسمیت شناخته می‌شوند و به‌تبع آن، امکان بروز و ظهور آنها فراهم می‌شود که همسو با طرز فکر و ارزش‌های مورد قبول و مقوم حزب حاکم یا نظام سیاسی مسلط باشند. اما در جوامع دموکراتیک، تکثرات اجتماعی مادام که در تعارض با حقوق طبیعی



معضل سندنویسی در ایران و سرنوشت اسناد



در بوق و کرنای تبلیغاتی دمیده می‌شوند چیست جز به ورطه فراموشی سپردن این سند‌ها پس از فروکش شور و هیجان و بهره‌برداری‌های آقایان به‌اصطلاح استراتژیست و رویارویی آنها با صخره‌های سهنگام واقعیت که حاضر به پذیرفتن اشتباه‌های فاجعه‌بار خود نیستند و هزینه‌هایی جبران‌ناشدنی را به کشور تحمیل می‌کنند و تا سوال‌های آتی کشور همچنان دستخوش این زبان‌ها و واپس‌ماندگی‌ها خواهد بود. عدم مطالبه‌گری عمومی یکی از دلایل اصلی به محاق رفتن سند‌هایی از این دست است که کمترین نتیجه‌ای عدم ارائه نتیجه‌ از سوی متولیان امر و مسکوت ماندن مساله است تا کوچک‌ترین مسئولیتی را متوجه خود نسانند چه برسد به جبران هزینه‌ها ز زبان‌های وارده به خزانه کشور، اعتماد عمومی جامعه و القانات ایدئولوژیکی مانند راهی که سال‌ها پیش دو کشور برادر چین و شوروی با ترسیم چنین افق‌های متصورى پیمودند و سپس هزینه‌های سنگین آن را پرداختند؛ اگرچه چنین زودتر به خود آمد و به اصلاحاتی موثر دست زد.

اما این‌گونه سندنویسی جسورانه که همچنان بی‌توجه به راه طی شده سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، بعدها در الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت مثلا یا تدوین نقشه علمی راه کشور دنبال شد و می‌شود و چندین سند کلان دیگر که در دست تدوین است، چرا از سوی اهالی رسانه، افراد آگاه پیگیر و حساس به اداره امور اعم از لشکری و کشوری و افراد مستقل

در برابر دو مواجهه نادیده گرفتن و مقابله کردن با تکثر اجتماعی برخی از به رسمیت شناختن این تکثر صحبت می‌کنند که این به رسمیت شناختن تفسیر یکدستی ندارد و تفسیرهای متفاوتی دارد. این تفسیر را چگونه می‌توان طبقه‌بندی کرد و کدام تفسیر، تفسیر موجه‌تر و راهگشایتری است؟ همان‌طور که اشاره کردم پذیرش و رسمیت‌بخشی به آن دسته از تکثرات اجتماعی که تابع یک منطق و عقلانیت روشن است و با حقوق طبیعی و بنیادی کسی در تعارض نیست یک مزیت محسوب می‌شود و به رشد و پیشرفت اجتماعی کمک خواهد کرد. در باب هماهنگی تکثرگرایی با منافع و مصالح اجتماعی نیز باید دقت کرد که دایره منافع به قدری باز نشود که عملا به بهانه رعایت منافع، تکثرات اجتماعی براساس ذوق و سلیقه و تمایلات مسئولان در دوره‌های مدیریتی گوناگون سرکوب شود. منافع و مصالح در علوم سیاسی تعریف روشنی دارد. به هر حال، هر جامعه‌ای یکسری منافع و مصالح و یکسری ارزش‌های اساسی و مورد قبول اکثریت جامعه دارد که برای حفظ موجودیت کشور باید رعایت شود. از نظر من، یکی از توانایی‌های حاکمیت را باید در توسعه ادراک جمعی از منافع و نیز اقناع عقلی اکثریت قریب به اتفاق مردم در جهت استواری روی این منافع جست‌وجو کرد. از سوی دیگر تکثرات منفی را باید با اقناع عقلی به حاشیه راند، یعنی نمی‌توان در تقسیم‌بندی تکثرات به مثبت و منفی بی‌منا بود و به اقناع‌گری عقلی بها کافی نداد.

هر نوع مواجهه با تکثر اجتماعی با چه چهارچوبی از ارزش‌ها قابل سیاست‌گذاری و ارزیابی است؟ مثلا هرا لگویی از مواجهه با تکثر آیا می‌تواند نقض‌کننده انسجام اجتماعی باشد؟ می‌توان الگویی اتخاذ کنیم که منجر به تکرار حوادث سال ۱۴۰۱نشود؟

مهم این است که ابتدا به فهم درستی از تکثرات اجتماعی در جامعه امروزین ایران دست پیدا کنیم. این فهم در خیلی از مسئولان وجود ندارد یا روزآمد نشده است. در فرآیند فهم تکثرات مهم تشخیص تکثرات عقلانی و سازنده از تکثرات غیرعقلانی و مخرب است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم برای دستیابی به درجه کافی از انسجام اجتماعی حول منافع و مصالح بنیادی نیاز به سرکوب تکثرات اجتماعی نیست. حتی مهم‌تر اینکه اگر در جامعه‌ای تکثرات عقلانی نادیده گرفته شود ایجاد یا تشدید شکاف‌های اجتماعی که پدیده‌ای بر ضد انسجام ملی است حتما اتفاق می‌افتد. همه ۸۵ میلیون جمعیت ایران باید به این باور برسند که عضو جامعه ایرانی هستند، صدایشان شنیده می‌شود، نظرات و تقدایشان شنیده می‌شود، چه در اکثریت باشند و چه در اقلیت، حقوق‌شان کاملا محترم شناخته می‌شود. باید حس کنند که در جامعه آنها باب مشارکت باز است، قدرت به اشتراک گذاشته شده و در برابر قانون با همه یکسان رفتار می‌شود. من درباره تحلیل حوادث پس از فوت مرحوم مهسا امینی نظراتم را در روزنامه «فرهیختگان» ارائه دادم. نظراتم همان است که خدمت‌تان گفته بودم. اولاً، برخی از ارزش‌های اسلامی مانند حجاب، سال‌هاست که با چالش روبه‌رو شده و به یک پدیده اجتماعی و واقعی مبدل شده است. ثانیاً، برخورد چهره‌به‌چهره، انتظامی و توأم با خشونت با افراد بی‌حجاب منطقی و چه بسا مشروع نیست و کرامت بانوان را خدشه‌دار می‌کند؛ ثانیاً، هر بدحجاب و بی‌حجابی غیرمتدین و غیرانقلابی نیست. کنار گذاشتن حجاب در شریعت اسلامی یک گناه مانند گناهانی در وزن و اندازه خود است اما کسی را از دایره دین خارج نمی‌کند. اینکه امروز عده‌ای به بی‌حجابی رو آورده‌اند نتیجه عدم سرمایه‌گذاری صحیح فرهنگی و تربیتی در کشور ماست و الا این افراد از خارج نیامده‌اند.



اهالی تدبیر عرصه حکمرانی به باز سندنویسی‌های بی‌نتیجه نمی‌افتاد و گویی تنها قرار است این میان چیزی نوشته شود. این سندنویسی در سطح کلان به سطوح خردتر و به سازمانی نیز رسیده است که در حوزه‌های مختلف خود دست به تدوین سند راهبردی می‌زنند و اینکه چه میزان این سند‌ها کارایی دارند و مورد استفاده قرار می‌گیرند یا با تغییر مدیریت در سال‌های آتی محل رجوع و استفاده قرار خواهند گرفت بسیار مبهم‌تر از سرنوشت سند‌های کلان است.

■ نقشه جامع علمی کشور

این نقشه که سال ۱۳۸۹ تصویب و با حضور محمود احمدی‌نژاد در همین سال رونمایی شد، ۱۳ راهبرد مهم و تعیین‌کننده را در سطح ملی و کلان برای کشور برشمرده است که اکنون خبری از سرنوشت آن و میزان پیشرفت در دست نیست.

■ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

این سند مصوب سال ۱۳۹۰ با هشت هدف و پنج راهبرد تدوین شد که مشخص نیست تا چه میزان به اهداف پیش‌بینی شده دست یافته است و مهم‌ترین مساله ذکرشده در آن، یعنی عدالت آموزشی را محقق کرده است. در حد اسم و ارجاع دادن به آن گاهی از سوی اشخاص و متولیان وزارتخانه از این سند یاد می‌شود.

■ الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت

این سند بالادستی از سال ۱۳۹۰ در دست اقدام قرار گرفت و افق زمانی ۵۰ ساله‌ای را تا سال ۱۴۴۴ طی دوره‌های ۱۰ساله پیش رو قرار داده است و اگر در چشم‌انداز ۲۰ ساله قرار بر این بود قدرت برتری منطقه‌ای در همه ابعاد باشیم، در این الگو ایران تا افاق ۱۴۴۴ از جهت علمی در میان پنج کشور برتر و پیشرفته جهان قرار خواهد گرفت و در آسیا از بعد عدالت و پیشرفت در شمار چهار کشور برتر آسیا و هفت کشور برتر دنیا باشد. این سند طبق اعلام متولیان حاصل هفت سال کار پژوهشی و محصول کار سه هزار متفکر و صاحب‌نظر و نخبه با حجمی بیش از ۹۰هزار صفحه است که سال ۱۳۹۷ جهت بررسی، اصلاح و تکمیل از سوی رهبری ابلاغ شد و خبری از سرنوشت آن در دست نیست با وجود اینکه مرکزی به این اسم همراه با زیرمجموعه‌های آن راه‌اندازی و مشغول به کار شده‌اند.

■ سند تحول علوم انسانی

پیش‌نویس این سند در سال ۱۳۹۶ تهیه شد. آبان‌ماه سال پیش، خسروپناه رئیس شورای تحول علوم انسانی از عدم تدوین این سند خبر داد و تاکنون نیز خبری از بررسی و تصویب آن نشده است.

